

# زنان

# حمیده انصاری

بررسی موضوعی

مینیاتور معاصر  
افغانستان

در آثار زنان  
مینیاتور ریس



حمیده انصاری

## چکیده

آمدن هویت هنری معاصر، تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. همبستگی میان مینیاتور و ادبیات که در قدیم از الزامات این هنر بود، در آثار هنری زنان نیز دیده می‌شود.

واژگان کلیدی: هنر مینیاتور، زنان مینیاتور ریس، هنر اسلامی.

## مقدمه

زنان افغانستان بعد از فروپاشی رژیم طالبانی به دنبال یافتن هویت خودشان در بسیاری از مسائل بوده‌اند. دغدغه داشتن هویت و نقش اساسی در پیشبرد امور هنری و فرهنگی، از جمله مواردی بوده‌اند که علاقه‌مندان زیادی داشته‌اند و زنان در این حوزه توجه بیشتری داشته‌اند. این تلقی در حوزه‌های مختلف هنری از جمله هنر مینیاتور

این پژوهش معطوف است به مطالعه نقش زنان در پیشبرد و رشد هنر مینیاتور افغانستان در بازه زمانی سه دهه اخیر که با هدف شناسایی جایگاه زنان هنرمند در مینیاتورهای معاصر، به انجام رسیده است.

مقوله هنر در افغانستان و حضور زنان در سال‌های اخیر، عامل اصلی پرداخت به این حوزه است. شناسایی موضوعی هنر زنان مینیاتورکار و دسته‌بندی ریشه‌های زیبایی‌شناختی در مینیاتور معاصر کارهایی‌اند که صورت گرفته‌اند و انتخاب موضوع، رنگ، موتیف و نقش‌مایه‌ها تحلیل شده‌اند. دستاوردهای پژوهش نشان می‌دهند که زنان با وجود مشکلات فراوان و تحولات پی‌درپی در کشور، هم در داخل کشور و هم در خارج کشور موفق به خلق آثار هنری متعدد و قابل توجهی شده‌اند. هم‌چنین زنان در تغییر نگرش هنری و به وجود



بروز کرد. حضور زنان هنرمند در سه دهه اخیر، منجر به ظهور پررنگ و قابل تأمل زنان دیگر در این مسیر پریچ و خم شد.

بررسی وضعیت هنری در آثار مینیاتوری معاصر زنان، به شناخت بهتر جایگاه آنان در هنر کمک می‌کند و فعالیت‌های فرهنگی و هنری معاصرین، قطعاً زمینه‌ای برای شناخت بیشتر خواهد بود.

طوری که بر همگان مبرهن است بالندگی هنر بسته به ایجاد شرایط مساعدی است که این شرایط مساعد تا مدت‌های مدید از کشوری به نام افغانستان رخت بریست و تا سرحد فراموشی پیش رفت؛ اما نه به طور کامل، بلکه همواره هنرمندان متعهدی بودند که با وجود مشکلات بسیار زیاد در احیای هنر کوشیدند. فعالیت‌های چهار سال اخیر، نشان از خلق هنرهای گوناگون و از جمله هنر مینیاتور است. حضور هنرمندان از کشورهای مختلف، مهاجرت هنرمندان به کشورهای اطراف، فراگیری دانش و هنر از آن کشورها و معرفی هنر و فرهنگ افغانستان به آن‌ها، زمینه خوبی برای رشد هنر شد. مینیاتور که ریشه تاریخی در افغانستان دارد و در بازه زمانی ای روی به سمت فترت و سستی نهاده بود، دوباره آغاز شده و جان گرفت.

## مسأله پژوهش

از آن جایی که این بررسی در مورد آثار سه دهه اخیر صورت گرفته است، تا حدی نشان‌دهنده این ادعا است که زنان هنرمند نیز مانند مردان هنرمند در راستای بهبود وضعیت هنر و فرهنگ کشور تلاش کرده‌اند و در پیدایش سازوکار جدید برای هنرمندان و علاقه‌مندان زحمت کشیده‌اند. در این بین زنان هنرمند و فعالیت‌های هنری آن‌ها در افغانستان کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند و کمتر کسی از آن‌ها و تلاش‌های‌شان یاد کرده است.

لازمه این مطالعه این است که دوره‌های تاریخی و رشد مینیاتور بررسی شود. دسته‌بندی تاریخی آن بعد از دوره شکوه و جلال این هنر؛ یعنی دوره تیموری و بعد اوایل دوره صفوی، از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا بعد از دوره تیموری، شاکله هنر و جغرافیای افغانستان، جدا از سرزمین‌های دیگر تعریف می‌شود و دارای هویت هنری مجزا است. لذا ضروری است تا این مقطع تاریخی، مورد مذاقه و مطالعه عمیق و کارشناسانه‌ای قرار گیرد؛ چیزی که از حوصله این مقاله خارج است.

مشکلات و تحولات کشور در دهه‌های گذشته، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را در عرصه‌های مختلف وارد کرده است و هم‌چنین باعث به وجود آمدن موانع زیاد فراروی هنرمندان زن نیز شده‌اند. جریان جنگ‌های طولانی و عدم تمرکز هنرمندان در کشور، مهاجرت و دور افتادن از هنر به دلیل نبود شرایط مساعد، از مهم‌ترین عوامل

در ایجاد موانع در مسیر رشد هنر است، خصوصاً دوران سیاه امارت اسلامی که هنر را در خواب زمستانی فرو برد.

مطالعه وضعیت کنونی این هنر در بین زنان و شناسایی فعالیت‌های آن‌ها در این حوزه، مسأله اصلی این تحقیق است که در ذیل به بررسی موضوعی مینیاتور و شناسایی ریشه‌های زیبایی‌شناختی آن نیز پرداخته می‌شود.

## انتخاب نمونه‌های موردی

در این تحقیق، کار از گردآوری تعداد تقریباً چهل اثر مینیاتور از هنرمندان معاصر زن شروع شد و برای تجزیه و تحلیل آثار لازم بود تا تعداد محدودی انتخاب شوند و در آخر پنج نمونه از بین آن‌ها انتخاب شدند. در انتخاب این آثار سعی شد تا حوزه‌های مورد تحلیل و پارامترهای مورد نظر این پژوهش در نظر گرفته شوند. همان‌گونه که در متن تحقیق آمده است، فاکتورهای اصلی ای که باید در آثار بررسی شوند، ترکیب‌بندی، رنگ‌آمیزی، مضمون و نقش‌مایه‌ها است.

## پیشینه تاریخی

هرچند شدت ستم و اسارت زن در فرهنگ‌ها و جامعه‌های گوناگون، طبعاً به تناسب عوامل معین فرهنگی، مذهبی و اجتماعی تفاوت بسیار دارند و هم دلایل این نابرابری و هم روند آزادی و چگونگی تثبیت حقوق زن و آزادی زنان در جوامع گوناگون اشکال مختلف داشته است؛ اما عصر تحولات عظیم اقتصادی، فرهنگی و علمی دستاورد بزرگ حقوقی را برای اجتماع و زندگی انسان‌ها و به خصوص زنان به ارمغان آورد. لغو بردگی، برابری نژادها و انسان‌ها، آزادی، عدالت اجتماعی، حقوق بشر، حقوق اطفال، حقوق زنان و آزادی زنان، تماماً دستاوردها و پیشرفت‌های بزرگی‌اند که انسان امروز به آن دست یافته است.

هنر یکی از بخش‌های عمده‌ای است که در افغانستان در دوره‌های مختلف مورد کم‌مهری و بی‌مهری قرار گرفته و آثار هنری بی‌شماری به سیرقت رفته‌اند. گالری‌ها و نگارستان‌های این کشور بارها به آتش کشیده شده‌اند و یا از بین رفته‌اند؛ اما امروز پس از برپایی حکومت جدید با ارزش‌های دموکراتیک، که آزادی بیان از مهم‌ترین شاخصه‌های آن است؛ هنر نقاشی و مینیاتور علاقه‌مندان زیادی را در این سال‌های اخیر به سوی خود جلب کرده است. این هنر با ظرافت اجرایی‌ای که دارد، لزوم توجه و حوصله بسیار را می‌طلبد و در میان زنان افغانستان جایگاه ویژه‌ای دارد؛ اما این‌که تا چه اندازه توانسته است مسیر خود را به صورت روشن باز کند، هنوز جای بحث دارد؛ زیرا این هنر با گسست‌های زیاد و موانع متعدد روبه‌رو بوده است.

روابط فرهنگی ایران فرهنگی قرون هفتم و هشتم هجری قمری و چین به همراه تجربیات هنری مینیاتورستان سمرقندی که توسط شاهرخ به هرات آورده شده بودند، منجر به پدید آمدن اندیشه‌های نو در ضمیر هنرمندان شد و موجب ابداع عناصر تصویری جدید گردید (قاضی زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). خصوصیات شکلی و ویژگی‌های زیبایی آثار مینیاتوری در دوره شاهرخ به گونه‌ای شکل می‌گیرد که در آن‌ها ماهیت آذینی نگاره‌ها افزایش می‌یابد. ترکیب‌بندی‌ها بی‌پروا تر و آزادتر شده و عناصری چون درخت‌ها، کوه‌ها، ابرها و گیاهان برای به نمایش درآوردن مجموعه مؤثر، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند (گری، ۱۳۵۵: ۸۹-۹۰). این دوره هنری باشکوه هنر مینیاتوری در افغانستان و در هرات باعث شد تا بنیان دوره کلاسیک نقاشی ایران پی‌ریزی شود.

در خصوص هنر مینیاتور، پژوهش‌های بسیار زیادی انجام شده و به دست نشر سپرده شده‌اند که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. آنچه مهم است این است که تا حالا کسی درباره مینیاتور معاصر افغانستان و نقش زنان پژوهشی انجام نداده است.

### ماهیت هنر مینیاتوری

هنر مینیاتوری با داشتن سابقه طولانی حتا قبل از اسلام، ریشه در باورها و بینش دینی مردم سرزمین شرق دارد. سرزمین‌های شرق دارای هویت هنری منحصر به فرد بوده‌اند و بعد از ورود اسلام، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است. تمام مطالعات در این زمینه در پشتیبانی از این نظریه وجود دارند و اساتید و کارشناسان زیادی به مباحث مختلف پیرامون این قضیه پرداخته‌اند.

بدون شک در تحقیقات به دست آمده، ادبیات یکی از منابع اصلی در خلق مینیاتور و دیگر هنرهای اسلامی بوده است. هنرمند قدیم در کنار این که به کار مینیاتوری می‌پرداخت از سلسله مباحث ادبی و شعر و ادبیات نیز بهره‌مند بود. نگاه هنرمند قدیم به هنر نگاه دینی و عرفانی بود. سیر دینی در خیلی از مسائل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و هنری جریان داشته و هنرمند متخلق به اخلاق اسلامی و دینی بود. از همین رو آثار به دست آمده از دوره‌های قدیم گویای این مطلب است که همبستگی تنگاتنگی بین هنر و ادبیات عرفانی وجود داشته است.

در مورد مینیاتور باید گفت که بر پایه تقسیم متباین فضای دوبعدی اطرافش شکل می‌گیرد، چون فقط از این طریق است که هر افق سطح دوبعدی می‌تواند شأن وجود و هم‌چنین مرتبه‌ای از آگاهی را نمادین سازد. مینیاتور، با انطباق درست خود با مفهوم و دریافت متباین و کیفی فضا، موفق شد سطح یک‌دست و صاف خود را به روی

کرباسی منتقل سازد که نمایشگر مراتبی از واقعیت است و توانست انسان را از افق وجود مادی و در عین حال از آگاهی کفرآمیز و این جهانی به مراتب بالاتری از وجود و آگاهی رهنمون شود؛ برزخی با فضا، زمان، حرکت، رنگ‌ها و صور مختص به خود که رویدادها در آن‌جا به شیوه واقعی و نه لزوماً فیزیکی رخ می‌نمایند، عالمی که فلاسفه مسلمان آن را «عالم خیال» نامیده‌اند (نصر، ۱۹۶۸: ۳۳).

رویکرد اسلامی هنرمندان به هنر به ایجاد هنرهای اسلامی انجامید که در طی قرن‌های هفت تا ده هجری قمری هنر نقاشی شکل و انسجام مشخص به خود گرفت که اوج آن در قرن سیزدهم قمری بود. مینیاتوری تصویرگر کتب مختلف علمی، ادبی، تاریخی و داستانی شد و ویژگی کلی آن در ساده کردن فرم‌ها و رنگ‌آمیزی درخشان و پرتالو، اعجازبرانگیز بود (شادقزوینی، ۱۳۸۲: ۶۲).

تیتوس بورکهارت هنر اسلامی را زاینده به هم رسیدن دین و نظام اجتماعی اسلامی در جوامع اسلامی می‌داند؛ زیرا از نظری تعالیم اسلامی قطب مکمل نظام اجتماعی واحدی است که در جوامع اسلامی حکم فرماست. از این رو، می‌توان حاصل کار هنرمندان را هنر مقدس دانست. تعریف اصلی حکمای قائل به خرد جاویدان از هنر مقدس، همان هنری است که از بطن سنت و دین خالد که حاکم بر جامعه است، بیرون آمده باشد. بدین ترتیب، بورکهارت هنر اسلامی را شایسته عنوان هنر مقدس می‌داند؛ زیرا تولد هنر مقدس لزوماً با نمایی از دید نبوی یا پیغمبرگونه نمودار اعمال درون سنت و پیوند میان هنر مقدس و معنویت مرتبط است. هنر اسلامی همساز است با طبیعت دست‌نخورده و بکر، به ویژه همانند بیابان است که آدمی را به تفکر و اندیشه وامی‌دارد (بورکهارت، ۱۳۸۵: ۳۲ و ۴۰).

تصاویر و نقوش در آثار مینیاتوری با ظرافت و مهارتی بی‌نظیر با یکدیگر پیوند شاعرانه و زیبا را ایجاد کردند. ترکیب‌بندی و رنگ‌آمیزی آثار، جلوه و کمالی مضاف به آن بخشیده است که نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذشت. بازیل‌گری از نویسندگان برجسته و تحلیل‌گر مسائل هنری مخصوصاً در حیطه هنرهای اسلامی در یکی از کتاب‌های خود راجع به مینیاتور می‌نویسد: «و برگ‌های درختان هم‌چون نقوش تزیینی و هم‌اندازه‌ای هستند که شاخه‌ها را پوشانده‌اند. یک برکه تصویر موزاییکی از امواج است و سبزه‌زار که در دور آن تکرار می‌شود. آسمان به صورت کمانی برگشته تصویر شده و خورشید در آن هم‌چون جواهری در قاب انگشتری جلوه می‌کند.» (گری (Gray)، ۱۹۶۱: ۲۲).

## تجزیه و تحلیل آثار با توجه به رویکرد و موضوع

### رویکرد هنرمندان زن در مینیاتور معاصر

شکل‌گیری یک سنت و قوانین در هنر بستگی به دوره زمانی طولانی دارد که منجر به ظهور سبک‌ها و روش‌های هنری می‌شود. مینیاتور هنری با قدمت بسیار زیاد است که در طول تاریخ از دوره‌های قبل میلاد گرفته تا اوایل میلاد و دوره ساسانی‌ها و سپس ظهور اسلام و شکل‌گیری یک انسجام فکری در همه عرصه‌های زندگی از جمله هنر را شاهد هستیم. منابع به‌دست‌آمده از پژوهش‌های انجام‌شده اذعان در تأیید این گفته دارند. اوج و شکوه هنر مینیاتور و پیدایی مکاتب هنری بزرگی چون تبریز و اصفهان در ایران کنونی، بخارا و مکتب هندی مغولی در هند، از خطه متمدن و هنرپرور افغانستان نشأت گرفته‌اند.

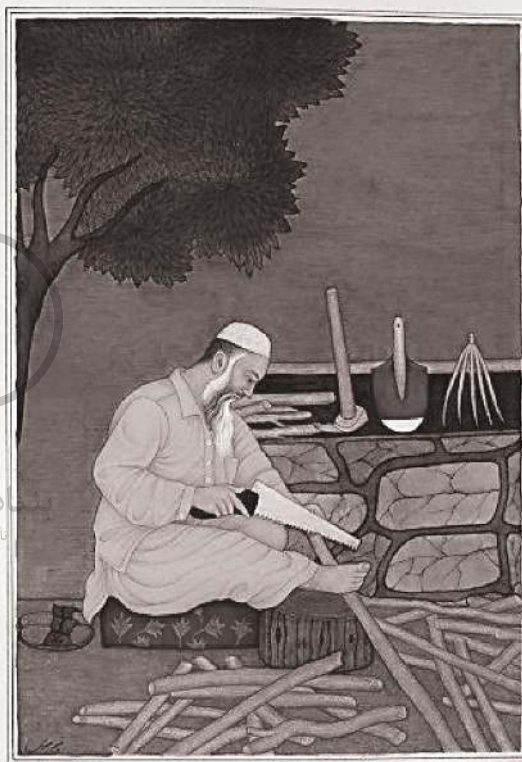
شکل (۱) اثری از مینیاتورست معاصر در کابل است که با موضوع نجار در کارگاهش به سبک کاملاً رئالیستیک کار شده است.

اما در مقایسه با نقاشی غربی و سبک غربی که آن‌ها آفرینشگر این سبک بودند، متفاوت است. شخصیت‌پردازی به جای محتوامحوری از شاخصه‌های اساسی مینیاتور معاصر است که در بیشتر آثار دیده می‌شود. واقع‌گرایی اجتماعی و پرداختن به موضوعات عادی و روزمره، و با نگاهی به گذشته هنری این رشته در افغانستان در می‌یابیم که نگاره‌ها و آثار خلق‌شده در اواخر دوره تیموری بیشتر به این سبک و سیاق تمایل داشته‌اند و هنرمند معاصر نیز در پی یافتن هویت هنری خویش به دنبال این ردپا است. اما روند این پیگیری با زبان جدید امروز توسط هنرمند امروز به تصویر درمی‌آید.

موضوع، ترکیب‌بندی و نقش‌مایه‌ها در این اثر کاملاً امروزی و برگرفته از شرایط فعلی افغانستان است. بیننده در نگاه اول پی به وضعیت زندگی مردم افغانستان می‌برد.

وقایع خیلی عادی در حال اتفاق افتادن از زندگی مردم عادی، به عنوان موضوع نگاره‌ها انتخاب شده است. هنرمند ضمن بیان این وقایع، سعی می‌کند تا از اصالت‌های هنری خویش نیز غافل نمانده

شخصیت‌پردازی به جای  
محتوامحوری از شاخصه‌های  
اساسی مینیاتور معاصر است  
که در بیشتر آثار دیده می‌شود.  
واقع‌گرایی اجتماعی و پرداختن  
به موضوعات عادی و روزمره، با  
نگاهی به گذشته هنری این رشته در  
افغانستان، در می‌یابیم که نگاره‌ها و  
آثار خلق‌شده در اواخر دوره تیموری  
بیشتر به این سبک و سیاق تمایل  
داشته‌اند و هنرمند معاصر نیز در پی  
یافتن هویت هنری خویش به دنبال  
این ردپا است.



شکل (۱) نسیمه حیدری، ۱۳۹۳، مأخذ: آرشیو کتابخانه انستیتوت فیروزکوه، کابل.

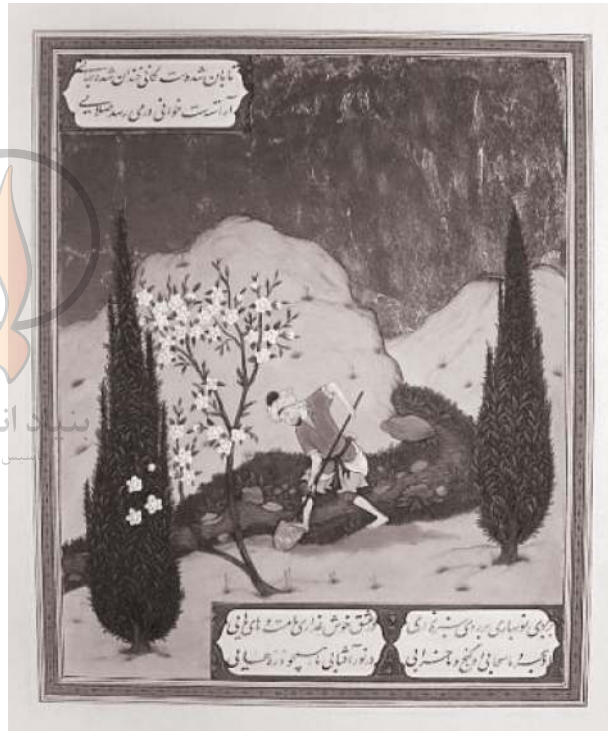
و هر از چند گاهی، گریزی به آن زده است. توجه به جزئیات با پردازشهای بسیار ظریف و نازک و دورگیری توسط خطوط قلم‌گیری شده از مشخصات این نوع نگاه‌اند.

داستان‌های ملموس و محسوس، جایی برای فضای تخیلی و رؤیایی نگاره‌ها نگذاشته است. داستان‌های اساطیری و آموزه‌های ادبی و عرفانی که در قدیم از مبانی اصلی مینیاتور بود، در آثار معاصر کمتر مشاهده می‌شوند و رویکرد بیشتر هنرمندان واقع‌گرایانه با درونمایه اجتماعی است.

نظام پرسپکتیو و نمود واقع‌گرایی در برخی از آثار معاصر مشاهده

استفاده از رنگ‌های سنتی و اصیل و ترکیب آن‌ها به صورت متوازن در تابلو از شاخصه‌های اصیل مینیاتوری قدیم‌اند که در آثار معاصر نیز به خوبی به آن‌ها توجه شده است.

آنچه مسلم است این است که مینیاتور معاصر تلاش نمی‌کند تا براساس یک مکتب خاص و رویکرد مشخص و محدود به تبیین دیدگاه خود بپردازد، بلکه از هرگونه امکانات استفاده می‌کند تا بتواند احساس و عقیده خود را به تصویر بکشد.



شکل (۲) صغری حسینی، ۱۳۹۳، مأخذ: آرشیو کتابخانه انستیتوت فیروزکوه، کابل.

می‌شود. اگر با دقت بنگریم، نور و سایه و پرسپکتیو، تا اندازه زیادی در احساس می‌شوند. نوع تأثیرپذیری از نگارگری هندی مغولی که بیشتر در هند و پاکستان جریان دارد، در این اثر نیز دنبال شده است.

اما آنچه دارای اهمیت است تبعیت از قواعد پرسپکتیو از مشاهده انسانی است؛ چرا که این اصول در دنیای واقعی وجود ندارند، بلکه فقط حاصل ادراک انسانی‌اند، پس تجربه دیداری ما به عنوان سوژه از جهان پیرامون، جزئی از ادراکات ماست که از ساختار ذهن‌مان تبعیت می‌کند. «پرسپکتیو در واقع تبلور و تجسم زیبایی‌شناختی، اعتقاد به اصالت سوژه و بازنمود دنیای مادی در هنر است.» (فهیمی‌فر، ۱۳۹۶: ۸).

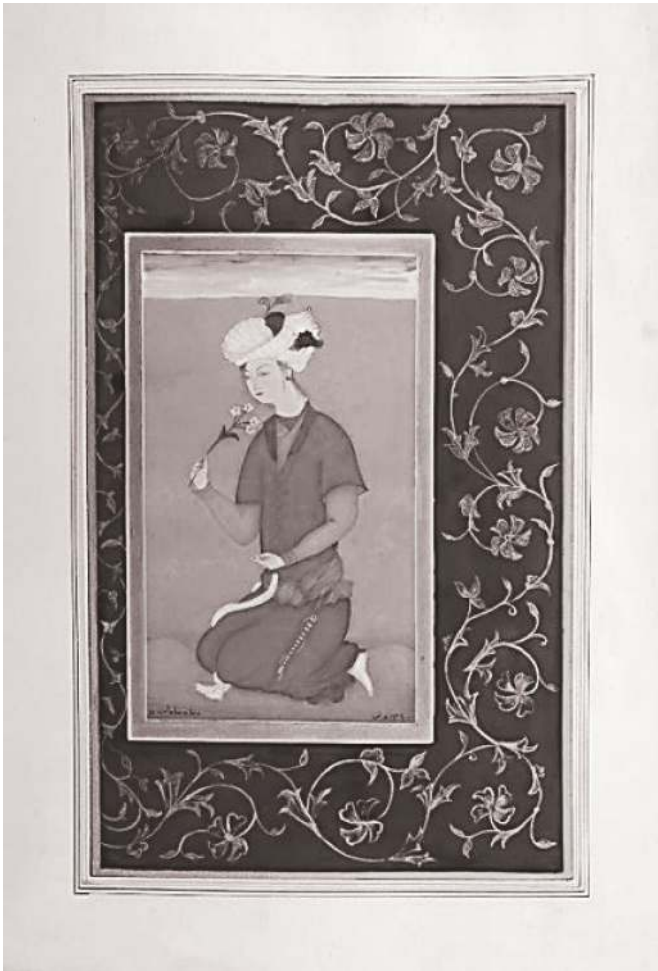
با نگاهی به گذشته هنری این رشته در افغانستان درمی‌یابیم که نگاره‌ها و آثار خلق‌شده توسط استاد کمال‌الدین بهزاد، سبکی نو در نقاشی به وجود آورد. در این خصوص فدائیان در کتاب «هرات دیروز و امروز» چنین بیان می‌دارد: «که باعث تجدید هنری پس از وی شد. او شیوه صورت‌سازی متمایل به شیوه چینی را تغییر داد و اسلوب نقاشی را به طبیعت و زندگانی مردم نزدیک ساخت و شبیه‌سازی را مرسوم ساخت.» (فدائیان، ۱۳۸۵: ۱۹).

### موضوع در مینیاتور معاصر

گرایش هنرمندان زن برای انتخاب موضوع بیشتر دینی است. به طور مثال در شکل (۲) می‌بینیم که نگارگر آن‌چه را در مینیاتور قدیم بوده رعایت کرده و به تصویر درآورده است. تمامی جزئیات اثر از ترکیب‌بندی گرفته تا پردازش‌های نقش‌مایه‌ها و موضوع آن بر طبق بیان اصیل مینیاتوری است.

درختان، کوه و دشت، گل‌ها، آسمان طلایی و... که هر یک نماد و نشانه‌ای از یک مفهوم هستند به خدمت گرفته می‌شوند تا با هم فضای دل‌انگیز و روحانی را بسازند، اما موضوع و انتخاب رنگ‌ها و استفاده از تمام فضای تابلو برای بیان هنری، بازهم به مینیاتور قدیم افغانستان نزدیک‌تر است و نشان می‌دهد که با وجود تأثیرات ناشی از مختلط شدن سبک‌ها و روش‌ها، هنرمند معاصر افغانستان هنوز در پی خوانش همان نگاره‌های شکوهمند است که تداعی‌کننده روزگار اوج و پرشور این هنر بوده است.

در مینیاتور معاصر تک‌پیکره‌ها زیاد به چشم می‌خورند و مورد توجه بسیاری از هنرمندان مینیاتوریست قرار دارد. این ویژگی را می‌توان یافت که هنرمند معاصر با مطالعه پیشینه هویتی هنر مینیاتور در افغانستان به این نکته پی برده و آن‌ها را دنبال می‌کند. مانند شکل (۳): تک‌نگاره‌ها و شخصیت‌پردازی از دوره صفوی توسط رضا عباسی در مکتب اصفهان، شیوع پیدا کرد و به تدریج در اواخر این



شکل (۳) دیناسادات، ۱۳۹۰، مأخذ: آرشیو کتابخانه انستیتوت فیروزکوه، کابل.

آنچه مسلم است این است که مینیاتور معاصر تلاش نمی‌کند تا بر اساس یک مکتب خاص و رویکرد مشخص و محدود به تبیین دیدگاه خود بپردازد، بلکه از هرگونه امکانات استفاده می‌کند تا بتواند احساس و عقیده خود را به تصویر بکشد.

سبک مینیاتور معاصر این پندار را به وجود می‌آورد که وضعیت آمیخته با چندین سبک و بینش مکتبی که در هنر غرب و شرق وجود داشته و دارد، به وجود آمده است. از همین رو، شناسایی و دسته‌بندی آثار معاصر نیازمند شناخت چندین نگرش در هنر است. آنچه در شکل (۵) دیده می‌شود، هنرمند به خوبی توانسته است دو مفهوم سنت و مدرنیته را با هم آشتی داده و در کنار هم اثری جدید را خلق کند.

پردازهای ظریف و توجه به جزئیات در نقش مایه‌های به‌کاررفته در این اثر دیده می‌شوند. خطوط نرم و لطیفی که به عنوان قلم‌گیری در حاشیه نقش مایه‌ها کار شده‌اند نیز خیلی نزدیک به سبک قدیم در این

دوره در اکثر آثار مینیاتوری دیده می‌شود.

تخیل در فضای نگاره‌های معاصر متفاوت از آثار قدیم تعبیر می‌شود. هنرمندان معاصر خلاقیت را در چگونگی استفاده از امکانات و ابزار جدید برای بیان احساسات خود دانسته؛ آگاهی از وضعیت کشور و مشکلات مردم امتیازی است که هنرمند امروز موضوع اثر خود را از بین آن‌ها جستجو می‌کند. لذا تلاش می‌کند تا به جاهای مختلف سرک کشیده و موضوع مورد نظر خود را پیدا کند. می‌توان گفت لیلی‌نگاره‌های بهزاد و قهرمانانی مانند رستم و سهراب، سیاوش و افراسیاب و... جای خود را به قهرمانان واقعی امروز داده‌اند. هر داستان امروز نمادی از مقاومت و تلاش مردم است که هنرمند از دریچه هنر به آن پرداخته است.

در شکل (۴)، ظرافت طبع در تنظیم این ترکیب‌بندی اهمیت به‌سزایی دارد. کوچک‌ترین خطا موجب به‌هم‌ریزی خواهد شد و فضای لطیف نگاره را متأثر خواهد کرد. نگاه وحدت‌بخشی هنرمند در گستره فراخ‌تر مجسم می‌شود و اجزا و کل را در سلسله کلی تر بیان می‌کند. هر جزئی از کلی نشأت گرفته و همه این کل‌ها، تحت کل بزرگ‌تر می‌آیند.

چون بن‌مایه اصلی این نگاره از سمبول‌های اصیل است و نگارگر به مدد آن‌ها تصویری را خلق می‌کند و اثر هنری اش اثر سنتی خواهد بود. منبع هنر سنتی نیز سمبول‌ها و نمادها هستند.

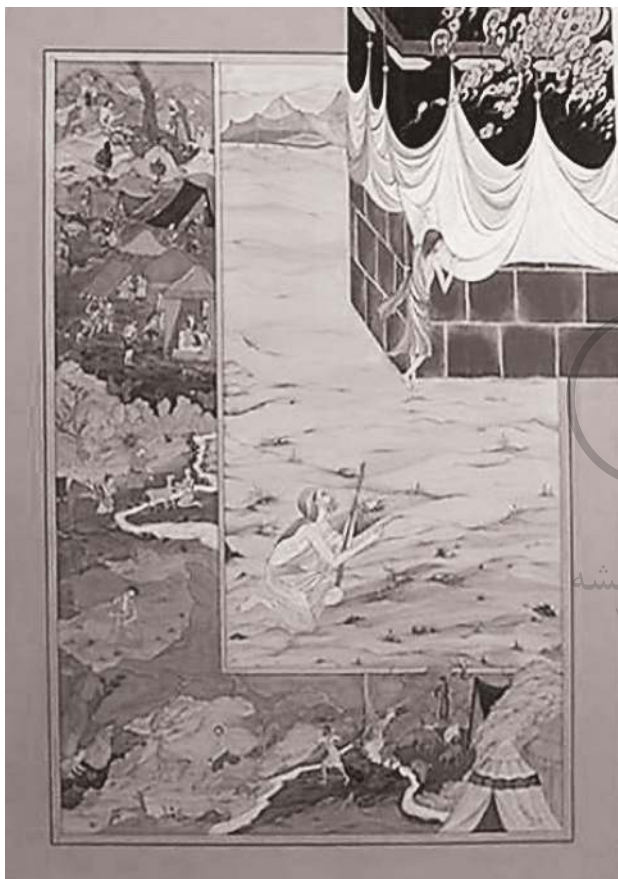
جدا شدن مینیاتور از متن کتب ادبی و عرفانی، که از دوره صفوی آغاز شد تا دوره‌های بعد از آن تاکنون جزء نوآوری و خلاقیت در این هنر مطرح گردید. نمونه این ادعا را می‌توان در آثار هرات معاصر و در سه دهه اخیر مشاهده کرد. نمی‌توان اثری را یافت که این مشخصه را نداشته باشد. آثاری که رویکرد سنتی در آن رعایت شده بیشتر به کپی‌برداری از آثار قدیم پرداخته و تغییرات جزئی نیز در آن‌ها اعمال شده‌اند. نوآوری در این نگاره‌ها، ترکیب‌بندی، استفاده از مواد جدید هنری و ایجاد فضای مدرن در کنار فضای سنتی است. طوری که در شکل (۴) می‌بینیم.

با این سبک و سیاق، این نگاره که یکی از کارهای دهه نود در هرات است، سعی کرده تا بر شیوه و سبک قدما تأکید کند و موضوعات مختلف از یک داستان یا داستان‌های مختلف را در کنار هم با چینش خوشایندی کنار هم دعوت کند و به خلق فضاهای جدید و استفاده از کادرهای به وجود آمده در صفحه، تعادل و تقارن معنایی ایجاد کند. استفاده از رنگ‌های سنتی و اصیل و ترکیب آن‌ها به صورت متوازن در تابلو از شاخصه‌های اصیل مینیاتوری قدیم‌اند که در آثار معاصر نیز به خوبی به آن‌ها توجه شده است.

نمی‌توان در این راه نادیده گرفت. علاقه‌مندی به هنر مینیاتور و هنرهای اسلامی از دهه هشتاد شروع شد و در اواخر دهه نود، از نظر کیفی، به رشد و تعالی بیشتری دست یافت.

رویش نهال هنر مینیاتور بعد از سال‌ها در هرات، کابل و شهرهای کوچک و بزرگ دیگر در این کشور، پیروان بیشتری را در طی این

هرچند تنوع موضوعی در مینیاتور معاصر مشاهده می‌شود، اما به لحاظ مضمونی و محتوایی، مینیاتور، دیگر آن مضامین و محتوای قبل را نداشته، موضوعات روزمره، گرایش به شیوه رئالیستی و نگاه واقع‌گرایانه در بسیاری از آثار معاصر دیده می‌شود. حتی در آثاری که هنرمند سعی کرده است بر طبق اصول و روش‌های اصیل در مینیاتور، حرکت کند، بازهم گرایش‌های نوین مشاهده می‌شوند.



شکل (۴) انیتابی‌ریا، ۱۳۹۰، مأخذ: آرشیو دانشکده هنرهای زیبای هرات، ۵۸×۵۶، پوسترکالر.

هنر است؛ اما بیان جدید و مدرن و ایجاد ترکیب متفاوت، معاصریت آن را تثبیت می‌کند.

با آن که رویکرد واقع‌گرایی عموماً در این نگاره‌ها خیلی زیاد به نظر می‌رسد؛ اما بعضاً بیان تخیلی و ابهام‌آمیز، که لازمه تخیل است نیز از دید هنرمند معاصر دور نمانده و غیرمستقیم به بیان تصویر پرداخته است. مثل اثر نیم‌تنه اسب که از ترکیب اشکال و تصاویر متعدد پر شده، به خوبی دنبال شده است.

هرچند تنوع موضوعی در مینیاتور معاصر مشاهده می‌شود، اما به لحاظ مضمونی و محتوایی، مینیاتور، دیگر آن مضامین و محتوای قبل را نداشته، موضوعات روزمره، گرایش به شیوه رئالیستی و نگاه واقع‌گرایانه در بسیاری از آثار معاصر دیده می‌شود. حتی در آثاری که هنرمند سعی کرده است بر طبق اصول و روش‌های اصیل در مینیاتور، حرکت کند، بازهم گرایش‌های نوین مشاهده می‌شوند. هنرمند، با ایجاد پس‌زمینه ساده و یک‌دست، با طرح رنگ دوبعدی، میزان حجم‌پردازی اثر را کمتر نشان می‌دهد. تنظیم فرم‌های دوبعدی در کنار فرم‌های سه‌بعدی و برجسته نمودن این شاخصه در بیشتر مینیاتورهای معاصر، باعث تمایز آن‌ها از آثار قدیم و اصول زیبایی‌شناسی غربی شده و نوعی رویکرد بومی امروزی را به شیوه نازل‌تری نشان می‌دهد. بدین لحاظ، آثار معاصر نه آن شاخصه‌های بومی را به طور کامل دارا هستند و نه شیوه‌های مدرن نقاشی کلاسیک غرب و هنر قرن بیستم غرب را، بلکه دارای هویت مستقل و ظاهری کاملاً متفاوت از هر دو مبحث را دارد.

### نتیجه‌گیری

مینیاتور، با وصف آن‌چه گفته شد، هنری است که زمینه‌های زیادی دارد تا هنرمند انگیزه‌های درونی‌اش را به راحتی بیان کند. این هنر که توسط هنرمندان مسلمان و در حقیقت عارف و صاحب سیر و سلوک بوده‌اند، جهت یافته و ساختار، فرم، رنگ و موضوع را خیلی متفاوت از دیگر هنرها به خود اختصاص داده است. مینیاتور میراث هنرمندان خوش‌ذوق این کشور است که تاکنون نیز در رگه‌های خاک این سرزمین جریان دارد.

نور عنصر بااهمیت و ارزشمند در نگرش نگارگر مسلمان است. عدم پرداخت‌های تجسمی به عناصر و نبودن سایه که نمای یک‌دست و عاری از جسامت به کار می‌بخشد، در نگاه هنرمند مینیاتور نیز مرکز توجه بوده است.

نگارگران معاصر بعد از دهه سی شمسی به هنر توجه ویژه‌ای داشتند. مینیاتور که روزی سرآمد هنر عصر بود و در اوج، توسط هنرمندان و علاقه‌مندان متعهد به تعالی رسید و نقش زنان را هم

ترکیب آن‌ها با کلیدواژه‌های امروزی از دستاوردهای مهم زنان هنرمند است که در آثارشان مشهود است.

به دست آوردن انسجام درونی در نگاره‌ها توسط هنرمندان ظاهراً کار و تلاش بی‌شمیری بوده؛ چون بسیاری از وقایع در حال رخ دادن بودند. استفاده از مضامین بومی، به کارگیری رنگ‌های اصیل و برگرفته از مینیاتورهای پیشین، کپی برداری از آثار قدیم و پیروی از سبک قدیم مینیاتوری در امر آموزش و اجراهای هنری، تلاش‌هایی بودند که هنرمندان سعی می‌کردند توازن و تعادل و زبان هنری خاص خود را حفظ نمایند. تقابل‌ها، تعارضات و عدم دانش مسلکی این هنر باعث شده است تا نگاره‌ها در چندگانگی افقی، خط سیر عمودی خویش را گم کند. هرچند در میانه راه هنرمندانی ظهور می‌کنند تا وضعیت را بهبود ببخشند، اما شرایط نابسامان روزگار ادامه فعالیت را از آن‌ها می‌گیرند.

زنان مینیاتوریست در دو دهه اخیر همگام با مردان در خلق آثار قابل تحسین سهم عمده داشتند. شرکت آنان در نمایشگاه‌های داخلی و خارجی و کسب مقام‌های برتر در سطح کشور و خارج از کشور، مؤید این ادعاست. آنچه باعث تمایز آثار زنان مینیاتوریست شده است، دقت در اجرا و کشف موضوعات جدید است که در تحلیل آثار می‌توان به این نتیجه دست یافت.

## منابع

نصر، سید حسین، خطاب به کنگره ایران‌شناسان، نادر اردلان، حس وحدت، تهران: مه، ۱۹۶۸.

بورکهارت، تیتوس، هنر اسلامی زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۵.

شاد قزوینی، پریسا، ویژگی‌های کلی هنر اسلامی در سه شاخه خوش‌نویسی، تذهیب و نگارگری با نگاه غیب و شهود، مدرس هنر، دوره اول، شماره سوم، تهران، ۱۳۸۲.

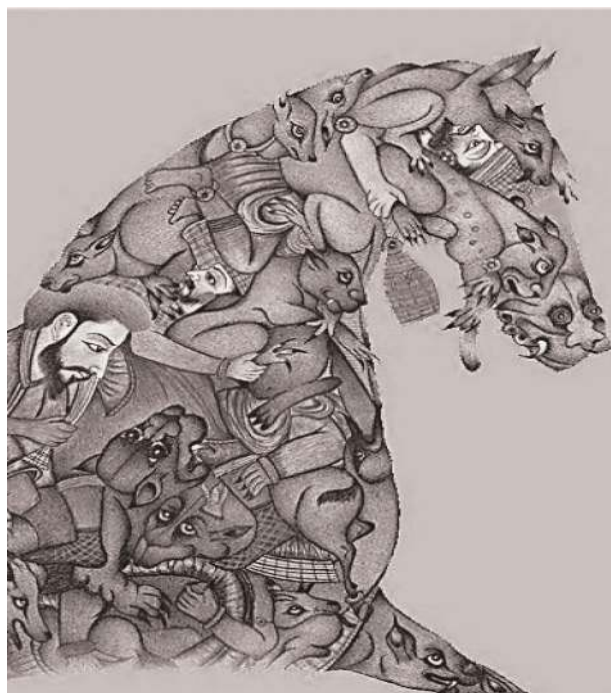
فدائیان، مجید، دیروز و امروز هرات، ترجمه مریم بهرامیان، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵.

فهیچی‌فر، علی‌اصغر، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی آموزش هنر در دانشگاه‌ها، تهران: دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۶.

قاضی‌زاده، خشایار، بررسی ارتباط فرم و فضا در نگاره‌های مکتب تبریز عصر صفوی، رساله دکتری، رشته پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۷.

گری، بازیل، نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران: انتشارات توس، ۱۳۵۵.

Gray, B; "Die Persische Malerei"; Geneve; 1961.



شکل (۵) فخریه نظامی، مذهبی. ۱۳۹۵، اندازه ۲۱/۱۴ سانتی‌متر. رنگ طبیعی، مأخذ: آرشیو کتابخانه انستیتوت فیروزکوه، کابل.

سال‌ها به سوی خود جلب کرده است. مرقعات، دیوارنگاری‌هایی به سبک مینیاتوری، تذهیب و تزئینات روی بناها و... نمونه‌هایی از این رویش مجدد هنر مینیاتور است.

وقایع و موضوعات متنوع در آثار مینیاتوری هنرمندان مختلف معاصر به چشم می‌خورند. رقابت در پی بیان گوشه‌های مختلفی از زندگی مردم و بیان مشکلات آنان باعث شده است تا آثار به‌وجودآمده نیز متمایل به رویکرد واقع‌گرا باشند. اگر بیان بصری این آثار را بر اساس رویکرد مینیاتوری قدیم و اصیل در یک دسته‌بندی قرار دهیم، شاید تنها گزینه‌ای که می‌توان این آثار را در رده مینیاتوری مورد بررسی قرار دهد، نوع ترکیب‌بندی و پردازش‌های ظریف آن‌ها باشد.

تخیل در فضای آثار مینیاتوری معاصر متفاوت از آثار قدیم تعبیر می‌شود. هنرمندان معاصر خلاقیت را در چگونگی استفاده از امکانات و ابزار جدید برای بیان احساسات خود می‌دانند. فرازوفرودهای شدیدی که در سال‌های اخیر در کشور وجود داشته‌اند، در روند هنر و هنر مینیاتور نقش مهمی داشته‌اند.

آنچه هنرمندان زن سعی کرده‌اند که هویت هنری خویش را در این بازار آشفته بیابند، رجوع به سنت‌های گذشته است که زمانی در اوج و شکوفایی بودند و حتا امروز نیز شکوه و عظمت این آثار در همه جای دنیا بر همگان آشکار است. رجعت به اصالت‌های قدیم و